

## کنگره هفتصدمین سال وفات خواجه نصیرالدین توسی

یکی از دانشمندان مشهور ایرانی خواجه نصیرالدین توسی است؛ بزرگ مردی که در علمی همچون ریاضیات، فلسفه، کلام، اخلاق، ادبیات، هیئت، نجوم و... سرآمد زمان خود بود،و همچنین سیاست‌مداری توانا بود که با استفاده از نفوذ کلام خود بر هلاکوخان مغول مانع از قتل عام مردم و دانشمندان بسیاری شد. به منظور بزرگداشت مقام وی و هم‌زمان با هفتصدمین سال وفات خواجه نصیرالدین توسی هفتم خرداد ۱۳۳۵ کنگره بزرگداشت مقام وی با حضور نمایندگان ۲۱ کشور در تالار ابن سینای دانشگاه تهران آغاز شد. هم‌زمان تابلوی خیابان آیتا...عبادی کنونی مشهد هم به نام خواجه نصیرالدین توسی تغییر کرد.



## یادی از آخرین بازمانده قیام «یاعلی»

اغلب مردم ایران از آن گروهی هستند که بیشتر شفاهی محسوب می‌شوند تا کتبی، یعنی آنان از بیان مسائل بیشتر از نوشتن آن‌ها لذت می‌برند. و ابعیتی که هر چند به ظاهر شیرین است اما مشکلی بزرگ را در دل خود نهان دارد. مشکلی



رضا سلیمان نوری پژوهشگر تاریخ

برای مصدوم خواهد ماند.» دیدن این صحنه و درخواست من و دیگران برای بیان ماجرای این تیرخوردگی همان موضوعی بود که به تمام سؤالات من درباره ماجرای سال ۱۳۳۱ زایل پاسخ می‌داد. چه وقتی پدر بزرگ همسر من یعنی «محمد حسین پارسایی

دامن سبز» لب به سخن گشود و ماجرای تیر خوردنش را تعریف کرد، مشخص شد که وی از مجروحان آن قیام است. او که متولد ۱۳۰۲ زایل بود، تعریف کرد که قیام به دلیل ظلم مأموران دولتی وابسته به خاندان علم به مردم زایل و تلاش آنان برای انتخاب فردی وابسته به خود برای حضور در مجلس شورا به عنوان نماینده مردم زایل بود. حرکتی که با دست خالی آغاز شد و با کشتن و بیرون راندن عمال وابسته به خاندان علم از زایل به پایان رسید و در این بین تعدادی از مردم هم کشته یا زخمی شدند که او هم از جمله زخمیان واقعه بود. او گفت و من پرسیدم و بعد هم به واسطه شغل آنچه گفتم و شنیدم را به صورت گفت‌وگو تنظیم و در یکی از روزنامه‌های تهران منتشر کردم. انتشار این خاطرات باعث شد تا ماجرای فراموش شده و از ذهن‌ها زفته زنده شود و برخی دوستان اهل فن تلاش کنند تا شاهدان دیگر این واقعه را پیدا کنند. امری که نتیجه‌اش هیچ بود تا «محمد حسین پارسایی» بشود تنها شاهد قیامی در آستانه فراموشی در تاریخ معاصر ایران. تنها شاهدی که البته هم‌زمان با عید فطر امسال در گذشت تا دیگر این قیام هیچ شاهد زنده‌ای نداشته باشد و تنها گفت‌وگوی وی با من و چند صفحه مختصر از کتاب مرحوم مجید فیاض یگانه مدارک موجود درباره یکی از حرکت‌های مردمی به ثمر رسیده اما ناشناخته ایران معاصر باشند. حرکت‌هایی که اگر وزنه

شفاهی دوستی ما ایرانیان کمی به سمت نوشتار دوستی تغییر جهت می‌داد، چه بسا که تعداد بیشتری از آنان شناخته می‌شوند. یاد محمد حسین پارسایی، آخرین بازمانده قیام یاعلی زایل، همیشه سبز باد.

وقتی صحبت از زخمی شدن فردی به هنگام شکار با گلوله یک تفنگ قدیمی ام‌یک شد، پدر بزرگ همسر من لباسی را کنار زد و با اشاره به جای زخم پشتمش گفت: «این حداقل یادگاری است که از حادثه ذکر شده

#### حدیث روز

**پیوند خویشاوندی را برقرار کنید، گرچه با جرعه آبی باشد و بهترین پیوند خویشاوندی، خودداری از آزار خویشاوندان است.**

امام رضا(ع)

|                                        |                                            |                                      |
|----------------------------------------|--------------------------------------------|--------------------------------------|
| <div>وضعیت هوا</div> <div>۱۹٪</div>    | <div>وضعیت هوا</div> <div>۲۱↓</div>        | <div>وضعیت هوا</div> <div>۳۴°↑</div> |
| <div>صبح</div> <div>۲۵°</div>          | <div>ظهر</div> <div>۳۳°</div>              |                                      |
| <div>عصر</div> <div>۳۲°</div>          | <div>شب</div> <div>۲۶°</div>               |                                      |
| <div>اذان ظهر</div> <div>۱۲:۲۹</div>   | <div>نیمه شب شرعی</div> <div>۲۳:۳۷</div>   |                                      |
| <div>غروب آفتاب</div> <div>۱۹:۴۰</div> | <div>اذان صبح فردا</div> <div>۳:۳۳</div>   |                                      |
| <div>اذان مغرب</div> <div>۲۰:۰۱</div>  | <div>طلوع آفتاب فردا</div> <div>۵:۱۷</div> |                                      |



#### بدون شرح

محمود آزاد نیا

## گنجایش زمان

این داستان زمان پیچیده‌ست، از همه طرف به هم چنگ می‌ندازد. یواش یواش دارم به این نتیجه می‌رسم که زمان مثل کیسه‌ای نیست که پر می‌شه. منظورم اینه که هر قدر هم محتواش عوض بشه، تو کیسه بیشتر از به مقدار مشخص جا

پربند خون



## همه‌گیری «طاعون» در روزگار کرونایی

سال ۱۹۴۳، آلبر کامو در هتل «مرکوری» پاریس که توسط آلمانی‌ها اشغال شده بود، زندگی می‌کرد. محل اقامت او از هتل «لوتیتیا» که سرویس ضدجاسوسی بدنام ارتش نازی در آن اقامت داشتند خیلی دور نبود. کامو آن زمان، علاوه بر شغل روزانه‌اش (نسخه‌خوانی)، در حال نوشتن رمان «طاعون» بود که در سال ۱۹۴۷ منتشر شد. این کتاب حالا در این دوره همه‌گیری کرونا دوباره زنده شده و مورد استقبال قرار گرفته است. «طاعون» دیدگاه و اقدامات مردم شهر ساحلی آران الجزایر را در زمان شیوع طاعون بوبونیک و دوران قرنطینه پس از آن بازگو می‌کند. مانند همه آثار ماندگار، این کتاب را می‌توان به چندین شیوه خواند. یکی از این شیوه‌ها مربوط به رویکردهای سیاسی به همه‌گیری مدرن است. قهرمان و راوی این رمان، پزشک برنارد ریو، در دوران ویرانی شهرش، اقدامات اخلاقی بی‌سروصدایش را ادامه می‌دهد، حتی وقتی متوجه می‌شود که پتانسیل او برای ایجاد تغییر بسیار محدود است. دیدگاه وی مطمئناً از تجربیات کامو در زمان اشغال پاریس نشئت می‌گیرد.

ترجمه خُتان



**روزنامه شهر امید وزندگی**  
**SHAHRARANEWS.IR**  
**۴شنبه**  
۱۶صفحه + ۴صفحه کوله پشتی ۴۱ شوال ۱۴۴۱  
۱۶صفحه شهرآرا محله  
شماره ۳۱۱۴ | ۱۰۰۰ تومان



میتاثق نامه  
اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: امید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- تماس: ۳۷۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

## عاشق شو!



حجت الاسلام محمدرضا زارلی پژوهشگر دینی

۱۰۰ کتاب قبل از صدسالگی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین خصوصیت مغفول و مهجور در شیوه‌های تربیت دینی و تبلیغات مذهبی امروز جامعه ما ترویج و معرفی دین‌داری عاشقانه است. متأسفانه به دلایل مختلف از جمله برجسته شدن جنبه‌های احکام عملی و مناسک کمتر به ریشه‌ها و اصول اساسی دین‌داری پرداخته‌ایم و این مبنای را که اتفاقاً شوق‌انگیز و رغبت‌آفرین است متروک نهاده‌ایم و به شاخ و برگ‌هایی مشغول شده‌ایم که قرار بوده‌است به شکل طبیعی از آن ریشه‌ها برآید و شکل بگیرد.

سال‌ها به ترویج و تبلیغ نتایج و حاصل‌های دین‌داری چون نماز و روزه و حجاب سرگرمیم و کمتر در تحقق آن‌ها توفیق می‌یابیم، درحالی‌که اگر به منشأ و اساس آن‌ها، یعنی دین‌داری عاشقانه، می‌پرداختیم قطعاً بدون هیچ زحمت، اصرار، فشار و اجباری همه آن اهداف محقق می‌شد.

حکیم علامه حضرت آیتا... جوادی آملی می‌گویند: «جامعه را محبت اداره می‌کند! ابراهیم خلیل می‌گوید: «لَا حُبَّ الْأَقْلَینَ»، سخن در این نیست که ستاره نمی‌تواند خالق آسمان و زمین باشد، آن چیز روشنی است! سخن در این است که معبود باید محبوب باشد. ما کسی را می‌پرستیم که به‌او دل بسپاریم، نه کسی را که به‌او محتاج هستیم!

حرف خلیل حق این است: من در برابر کسی سر می‌سایم که به‌او مهر بورزم، کسی را دوست دارم که همیشه با من باشد، یعنی معبود آن است که محبوب باشد. کسی که غروب می‌کند، محبوب نیست.»

ریشه و اساس تعلق دینی در باورها و اعتقادات همین محبت و دل‌بستگی عاطفی است که وقتی تحقق یابد خواسته و ناخواسته در التزام رفتاری و تعبد عملی تمثل پیدا می‌کند و اگر قبل از هر کاری به تعمیق آن بپردازیم بی‌تردید به دستاوردهای درخشان و باورنکردنی خواهیم رسید. مهندس علیرضا برآزش که سال‌ها پیش با تدوین مجموعه گسترده‌ای از معجم‌های حدیثی شیعی شهرت یافت، سال‌هاست در کنار مدیریت فرهنگی و اشتغالات مختلف بر جست‌وجوی منابع حدیثی تمرکز داشته و کتاب‌های متعددی در این زمینه تألیف یا ترجمه کرده است.

یکی از مهم‌ترین کتاب‌های ایشان که بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت و استقبال گسترده از آن به تألیف ۲ کتاب دیگر نیز انجامید «عاشق شو» بود!

این کتاب نخست از سه‌گانه عشق مهندس برآزش یکی از مهم‌ترین آثار عمر اوست و می‌تواند برای هر خواننده‌ای الهام‌بخش و شوق‌انگیز باشد و نگاه‌او به دین‌داری را عوض کند. نویسنده در این کتاب می‌کوشد تا بر اساس آیات مختلف قرآن کریم و روایات متعدد نشان دهد که اساس دین بر پایه محبت خداوند شکل گرفته است و اگر رابطه عاشقانه‌ای میان انسان و خدا وجود نداشته باشد از دین جز پوسته و ظاهری بی‌روح چیزی باقی نمی‌ماند.

وی در بخشی از مقدمه کتاب چنین می‌نویسد: «چیزی را که نه جسم است که‌او را ببینم، نه خوردنی است که‌آن را بخورم، نه هم‌جنس ماست که‌در آغوشش بگیرم، چگونه می‌توانم دوستش داشته باشم؟ اصلاً دوستش داشته باشم، یعنی چه کار کنم؟ کمی -بلکه بیشتر از کمی- فکر کنید! آیا خدا را دوست دارید؟ آیا اصلاً می‌شود خدا را دوست داشت؟ این دوست داشتن اگر شدنی باشد، یعنی چه؟ بیایید با هم سفری کوتاه ولی سرنوشت‌ساز را آغاز کنیم.»

فصول مختلف کتاب که همه از ذکر منابع فراوان و دقیق آیات و احادیث سرشار است، از شناخت محبت آغاز می‌شود و بعد از بحث مفصلی درباره ارزش و فضیلت دوست داشتن خدا به مقدمات ییل به محبت می‌رسد، سپس با تبیین راه‌های حفظ و تقویت آن و تشریح بی‌آمدها و آثار محبت خداوند پایان می‌یابد.

خواندن کتاب «عاشق شو» هم برای دین‌داران و مؤمنان ضروری است تا بفهمند که اساس دین و مبنای دین‌داری صحیح چیست و هم برای کسانی که هیچ میانه‌ای با دین و آیین ندارند، تا بفهمند که با محرومیت از این گوهر ارزشمند چه کلاهی سرشان رفته است!



## مأموریت صلح در شوروی با کارمند بانک آلمانی

بیژن اشتری، مترجم کتاب‌های تاریخ شوروی، در صفحه اینستاگرامش بخشی از کتاب در دست ترجمه‌اش را به اشتراک گذاشته است. در ادامه قسمتی از کتاب انقلاب ۱۹۸۹، نوشته ویکتور سیستین را می‌خوانیم که نشر ثالث قرار است آن را منتشر کند.

در آن عصر بهاری، در میدان سرخ مسکو همه‌چیز آرام، ساکت و عادی به نظر می‌رسید. پنجشنبه ۲۸ مه ۱۹۸۷ بود. اما کمی پس از ساعت ۶ عصر هواپیمای ملخی کوچکی در وسط میدان سرخ در سیصدمتری کرملین، مقر حکومت کمونیستی شوروی، به زمین نشست. موتور هواپیمای خاموش شد و جوان موشکی لاغر و باریکی که لباس سرخ خلبانی پوشیده بود، از هواپیما بیرون آمد. مردم دورش جمع شدند. سپس با صدای بلند اعلام کرد که اسمش ماتیاوس روست، نوزده‌ساله و کارمند بانکی در هامبورگ آلمان غربی است و هدفش از آمدن به پایتخت اتحاد شوروی «انجام مأموریت صلح» است. مردم با مهریانی به او نگاه می‌کردند و از او امضا می‌خواستند. روست سپس توضیح داد که یک برنامه بیست‌ودوصفحه‌ای برای برچیدن همه تسلیحات اتمی از جهان به همراه آورده و به مسکو آمده‌است تا درباره همین برنامه با رهبر شوروی بحث کند. ۴۵ دقیقه بعد پس‌ها آمدند و روست را بردند. روست سفرش را از ۲ هفته پیش از هامبورگ شروع کرده بود. او ۲ ساعت و نیم در فضای شوروی پرواز کرده تا به مسکو رسیده بود، بدون اینکه سیستم‌های عریض و طویل دفاعی هوایی شوروی موفق به شناسایی‌اش شوند. این حادثه یکی از خفت‌بارترین آبروریزی‌ها برای نیروی نظامی شوروی از زمان جنگ جهانی دوم به بعد بود. گورباچف موقعی که خبر را شنید از شدت خشم منفجر شد. او با عصبانیت گفت: «این

همه‌گیر، پایبندی به اخلاق سیاسی طرف‌دار گزارش‌های حقیقی، علوم‌پزشکی و مراقبت‌های بهداشت عمومی ضروری است. کامو به‌جای توجه به علم در حال تحول برای پاسخ به بیماری همه‌گیر، بیشتر به توانایی‌مادر مواجهه با حقیقت و تحمل و مشارکت در شرایط بحرانی علاقه‌مند بود. همان‌طور که کامو روایت می‌کند موقعیت ریو آنجاست که گمانه‌زنی‌ها را کنار می‌گذارد تا روی «قطعیت» مشاهدات پزشکی روزانه خودش تمرکز شود: «باید وظیفه خود را آن‌طور که باید انجام دهید.» تابه‌حال از رمان «طاعون» به دلیل سختی و بیش از حد اخلاقی بودنش، بارها انتقاد کرده‌اند اما همان‌طور که اخیراً رابرت زارتسکی، مورخ و زندگی‌نامه‌نویس کامو، می‌نویسد: «عمر این انتقادها به اندازه خود رمان نبود.» دلیل مردم محافظت‌کنند. یکی از مشکلات اساسی این است که هیچ‌یک از مردانی که بر آران حکومت می‌کنند، دانش یا تجربه لازم را برای مقابله با همه‌گیری پنهان ندارند.

فرمانداران و رؤسای جمهور، نظام و سلسله‌مراتب تعیین می‌کنند و ویروس‌ها بی‌هیچ دردسری آن‌ها را از بین می‌برند. حیرت‌انگیز است که کامو، در اواسط قرن نوزدهم، می‌تواند با چنین وضوحی نشان دهد که در دوران یک بیماری

/استیو کول، نیویورکر/ ترجمه عاطفه همایونی

یک آبروریزی ملی است و همان‌قدر بد است که چرنوبیل بد بود. سران ارتش باعث این آبروریزی شده‌اند. همه دارند ما را مستخره می‌کنند. فرمانده دفاع هوایی مسکو به من می‌گوید زمانی از وجود هواپیمای متجاوز، مطلع شده که هواپیما در میدان سرخ فرود آمده بوده است. آقای مارشال! لاید پلیس‌های راهنمایی و رانندگی به تو خبر داده‌اند که هواپیما فرود آمده‌است!»

